اعتراف خواستگار اینستاگرامی به سرقت ۵۰۰ میلیون تومانی

پسر جوانی پس از آشنایی با دختر پولداری در اینستاگرام او را به بهانه ازدواج فریب داد و دست به سرقت ۵۰۰ میلیون تومانی از خانواده‌اش زد.

به گزارش خبرنگار ما، پرونده‌های زیادی درباره کلاهبرداری، اخاذی و سرقت به بهانه خواستگاری در ادارات پلیس تشکیل می‌شود که بررسی‌ها نشان می‌دهد خیلی از افراد پس از آشنایی با دختران پولدار در شبکه‌های اجتماعی به بهانه خواستگاری آنها را فریب می‌دهند و دست به سرقت‌های میلیاردی می‌زنند. در یکی از این پرونده‌ها چندی قبل مردی به اداره پلیس رفت و از دستبرد سارق یا سارقانی به خانه‌اش شکایت کرد و گفت حدود ۵۰۰میلیون تومان از خانه‌اش سرقت شده است. شاکی در توضیح ماجرا گفت: من تاجرم و وضع مالی خوبی دارم. خانه بزرگی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران دارم که همراه همسر و دختر ۱۸ ساله‌ام زندگی می‌کنم. چند روز قبل خانه یکی از دوستانم شام دعوت بودیم و وقتی بعد از چند ساعت به خانه برگشتیم متوجه شدم سارق یا سارقانی به خانه‌ام دستبرد زده و با باز کردن در گاوصندوق مقدار زیادی پول خارجی، طلا و سکه که حدود ۵۰۰میلیون تومان ارزش دارد سرقت کرده‌اند.

با طرح این شکایت پرونده به دستور بازپرس دادسرای ناحیه ۳۴تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران در نخستین بررسی‌های محل حادثه دریافتند سارق فرد یا افراد آشنایی هستند که بدون تخریب در و با داشتن کلید یدک وارد خانه شده و از محل دقیق نگهداری اموال قیمتی هم خبر داشته و با باز کردن گاوصندوق دست به سرقت ۵۰۰ میلیون تومانی زده‌اند. در حالی که مأموران تحقیقات خود را روی افراد آشنا و بستگان شاکی که به خانه او رفت و آمد داشتند متمرکز کرده بود شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و راز سرقت از خانه‌اش را بر ملا کرد. وی گفت: من به دو نفر از بستگانم مشکوک بودم که از خانه‌ام سرقت کرده‌اند که یک روز قبل دخترم در حالی که گریه می‌کرد به من گفت سرقت طلاها و پول‌ها کار او بوده است. دخترم گفت پسر جوانی به نام ایمان او را فریب داده و دخترم پس از سرقت تمامی پول‌ها و طلاها را به ایمان داده و پس از آن ایمان هم ناپدید شده است.

طراح سرقت خواستگار اینستاگرامی بود

در ادامه مأموران از دختر جوان تحقیق کردند. وی در توضیح ماجرا گفت: مدتی قبل در اینستاگرام با پسر جوانی به نام ایمان آشنا شدم. او پسر شیک‌پوشی بود و خودش را دانشجوی مهندسی به من معرفی کرد. چند روزی با هم ارتباط پیامکی و تلفنی داشتیم تا اینکه پیشنهاد ازدواج داد. هر روز که از آشنایی ما می‌گذشت من بیشتر به او علاقه پیدا می‌کردم تا اینکه دلباخته او شدم و پیشنهاد ازدواجش را قبول کردم. بعد از آن بود که از او خواستم به خواستگاری‌ام بیاید و به همین خاطر موضوع را با پدرم در میان گذاشتم اما پدرم با ازدواج من مخالفت کرد و گفت که باید درس بخوانم و برای ادامه تحصیل به دانشگاه بروم و بعد از اینکه مدرک گرفتم عروس شوم. وی ادامه داد: من نظر پدرم را به ایمان گفتم اما او با چرب‌زبانی مرا فریب داد و من هم که عاشق و دلباخته او شده بودم فکر می‌کردم ایمان فرشته نجات من است و به حرف‌هایش عمل می‌کردم. ایمان گفت اگر پولها و طلاهای پدرم را سرقت کنم، می‌توانیم زندگی خوبی را با هم شروع کنیم و وقتی هم با هم ازدواج کردیم پدرم ناچار است رضایت بدهد. من حرف‌های او را قبول کردم و تمامی طلاها و سکه‌ها و پول‌های پدرم را سرقت کردم و در اختیار ایمان قرار دادم. قرار شد روز بعد من شناسنامه‌ام را بردارم و دو نفری برای عقد به دفترخانه ازدواج برویم و از آنجا هم برای ماه عسل چند روزی به شمال کشور برویم که ناگهان ایمان ناپدید شد و حتی به تلفن‌های من هم جواب نداد.

وسوسه شدم و نقشه سرقت را طراحی کردم

پس از اعتراف دختر شاکی، مأموران جست‌وجو برای شناسایی و دستگیری متهم را آغاز کردند تا اینکه چند روز قبل مأموران پلیس فتا متهم را در یکی از شهرستان‌ها شناسایی و دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به تهران با اعتراف به جرم خود گفت: چند سال قبل برای کار به تهران آمدم و در رستورانی شروع به کار کردم. مدتی قبل در اینستاگرام با دختر جوانی به نام شیوا آشنا شدم. خیلی به او علاقه پیدا کردم تا اینکه فهمیدم پدرش تاجر است و وضع مالی خوبی دارد. وقتی فهمیدم پدرش به خواستگاری من جواب رد داده است نقشه سرقت از خانه آنها را طراحی کردم و موفق شدم شیوا را فریب دهم. من مقداری از سکه‌های سرقتی را فروختم و با پول‌ها هم قرار بود خانه‌ای در شهرستان بخرم که دستگیر شدم. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

قتل مادر به خاطر ۳ دانگ خانه

دختر جوانی که متهم است مادرش را به خاطر سه دانگ خانه به قتل رسانده است ماجرا را توضیح داد.

به گزارش خبرنگار ما، خیلی از درگیری‌های ساده به جنایت‌های بزرگی ختم می‌شود که باورش برای عامل آن هم سخت است. این درگیری‌ها عمدتاً بین اعضای خانواده یا افرادی آشنا رقم می‌خورد که پس از حادثه چیزی جز پشیمانی به‌دنبال ندارد. در یکی از تازه‌ترین پرونده‌هایی که در پلیس تهران تشکیل شده است دختر جوانی که به خاطر سه دانگ خانه‌ای با مادرش درگیری ساده‌ای را رقم زده بود هرگز فکر نمی‌کرد این درگیری به مرگ مادرش پایان یابد.

ساعت ۱۲ شامگاه سه‌شنبه ۶ فروردین‌ماه بود که مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی آباد با تماس دختر جوانی در جریان مرگ مشکوک زن میانسالی در خانه‌اش قرار گرفتند. پس از این مأموران در محل حادثه که ساختمان چهار طبقه مسکونی در حوالی خانی‌آباد است حاضر شدند. مأموران در پاگرد راه پله طبقه دوم با جسد زن ۴۵ساله‌ای به نام هما روبه‌رو شدند که احتمال می‌رفت بر اثر سقوط از پله و ضربه به سر فوت کرده است، اما این فرضیه با آمدن بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم رنگ باخت و پس از بررسی‌های فنی فرضیه قتل زن میانسال قوت گرفت. در حالی که دختر زن فوت شده در تحقیقات مدعی بود که هنگام حادثه در خانه نبوده است و برای خرید به بیرون رفته است مأموران در بررسی محل حادثه با آثار لکه‌های خون داخل خانه روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت مقتول با فرد یا افرادی درگیر شده و پس از زخمی شدن برای درخواست کمک به داخل پله‌ها آمده، اما به خاطر خونریزی شدید بی‌هوش و در ادامه به کام مرگ رفته است.

بنابراین مأموران برای مشخص شدن علت حادثه دست به تحقیق از همسایه‌ها زدند. همسایه‌های اطراف ساختمان مسکونی در تحقیقات پلیسی اعلام کردند که ساعتی قبل صدای درگیری مقتول و دخترش را از خانه‌شان شنیده‌اند و همچنین متوجه شده‌اند که دختر جوان پس از درگیری از خانه خارج شده است. بدین ترتیب تیم جنایی به دختر ۲۵ساله مقتول مشکوک شدند و وی را به عنوان مظنون حادثه دستگیر کردند و مورد بازجویی قرار دادند.

وی ابتدا در بازجویی‌ها منکر قتل مادرش شد و در ادعایی گفت: وقتی از خرید به خانه برگشتم کلید نداشتم و همسایه‌ها هم همه در مسافرت بودند که زنگ خانه‌مان را زدم اما وقتی مادرم در را باز نکرد نگران شدم واز پلیس و آتش نشانی درخواست کمک کردم که پس از تخریب قفل در ورودی ساختمان با جسد نیمه جان مادرم در پله‌ها روبه‌رو شدیم.

متهم در ادامه وقتی با مدارک و شواهد روبه‌رو شد با ابراز پشیمانی به درگیری با مادرش اعتراف کرد و مدعی شد قصد قتل مادرش را نداشته است. وی در توضیح ماجرا گفت: پدر و مادرم سال هاست با هم اختلاف دارند و هر چند از هم طلاق نگرفته‌اند، اما هفت‌سال است از هم جدا زندگی می‌کنند. چند سال قبل در رشته حقوق در دانشگاه قبول شدم و قرار شد پدرم هزینه تحصیل مرا بدهد اما او یک سال بیشتر هزینه تحصیل به من نداد که مجبور شدم ترک تحصیل کنم. پدرم آپارتمانی که من و مادرم در آن زندگی می‌کردیم به من و مادرم داد در ابتدا سند را به نام مادرم زد که قرار شد مادرم سه دانگ آن را به نام من بزند اما هر وقت از مادرم می‌خواستم سه دانگ آپارتمان را به نام من بزند بهانه می‌آورد و همین موضوع باعث اختلاف من و مادر شده بود که گاهی با هم مشاجره می‌کردیم. شب حادثه ساعت ۹:۳۰ به خاطر همین موضوع با مادرم مشاجره کردم. وقتی مشاجره ما بالا گرفت یکدیگر را کتک زدیم که موهای سر مادرم را گرفتم و هلش دادم که ناگهان سرش به لبه میز آرایش برخورد کرد و خونین روی زمین افتاد. پس از این حادثه خیلی عصبانی شدم و بیرون رفتم تا زغال و تبناکو برای قلیان بخرم. من هرگز فکر نمی‌کردم با این ضربه مادرم فوت کند، اما وقتی در خانه را باز نکرد خیلی نگران شدم و از آتش نشانی درخواست کمک کردم که پس از باز کردن در با جسد مادرم روبه‌رو شدم. وی در پایان گفت: من قصد قتل مادرم را نداشتم و فکر نمی‌کردم این اتفاق رخ بدهد و الان هم پشیمان هستم. متهم به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

دستبرد پلیس‌های قلابی به خانه مرد تنها

چهار مرد جوان که در پوشش پلیس به خانه مرد تنها دستبرد زده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، پرونده‌های بسیاری با موضوع سرقت و آدم‌ربایی در پوشش مأموران پلیس تشکیل می‌شود. هر چند پلیس همواره از شهروندان درخواست کرده از مأموران کارت شناسایی درخواست کنند با این حال مهارت‌های مأموران قلابی برای فریب افراد آن قدر زیاد است که بتوانند برای رسیدن به اهدافشان بدون داشتن تجهیزات پلیسی هم اقدام کنند با این حال شاید بالا بردن مجازات استفاده از این عناوین بتواند در کاهش آن نقش داشته باشد. در پرونده‌ای که به تازگی در پلیس آگاهی تهران رمز گشایی شده است چهار پسر جوان که متوجه شده بودند مرد تنها پول زیادی در خانه‌اش نگه می‌دارد در پوشش پلیس وارد شده و اقدام به سرقت کردند. ۲۸اسفندسال گذشته بود که مردی وارد کلانتری ۱۰۵ سنایی شد و ماجرای سرقت را گزارش داد. او گفت: من به تنهایی در خانه‌ای همین حوالی زندگی می‌کنم. روز گذشته در خانه مشغول استراحت بودم که زنگ خانه را زدند. وقتی آیفون را برداشتم مردی خودش را مأمور پلیس معرفی کرد و خواست که دم در بروم که قبول کردم. وقتی مقابل در خانه رفتم با چهار مرد جوان مواجه شدم که خودشان را پلیس معرفی کردند. یکی از آنها بعد از اینکه اطلاعات کاملی از کار و زندگی‌ام به من داد مدعی شد که خانه‌ام را به محل فروش مشروب تبدیل کرده‌ام. وقتی انکار کردم آنها خواستند که خانه‌ام را بازرسی کنند. من که احتمال داده بودم آنها پلیس باشند قبول کردم. وقتی همراه آنها وارد خانه‌ام شدم ناگهان حمله کردند و دست و پا و دهانم را بستند و در یکی از اتاق‌ها حبس کردند. آنها سپس سراغ گاوصندوق رفتند و بعد از تخریب ۱۵۰میلیون تومان پولی را که داشتم سرقت کردند و از خانه‌ام رفتند. شاکی ادامه داد: بعد از آن برای رهایی خودم تلاش کردم و امروز توانستم دست و پایم را باز کنم اما سارقان در اتاق را قفل کرده و فرار کرده بودند بنابراین شیشه اتاق را شکستم و هر طور بود همسایه‌ها را خبر کردم. آنها هم من را نجات دادند. وقتی پرونده به دستور بازپرس به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران ارجاع شد تحقیقات تخصصی برای بازداشت سارقان به جریان افتاد. در اولین گام بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف خانه شاکی نشان داد که سارقان با دو خودروی پژو۴۰۵ خاکستری و تیبای سفیدرنگ در محل حاضر شده‌اند. کارآگاهان با بررسی شماره پلاک خودروی پژو ۴۰۵ خاکستری یکی از سارقان را که مردی ۲۴ساله به نام مهرداد بود شناسایی کردند. تحقیقات میدانی نشان داد که مهرداد یکی از دوستان برادرزاده شاکی است. برادرزاده شاکی وقتی در این باره تحقیق شد، گفت: مهرداد از دوستان صمیمی من است و چندبار با هم به خانه عمویم رفته بودیم. من درباره وضعیت زندگی عمویم بارها با او حرف زده بودم، اما نمی‌دانستم که او خیانت کرده و به خانه عمویم دستبرد می‌زند. در شاخه دیگری از تحقیقات خانه مهرداد در خیابان مفتح جنوبی شناسایی و متهم دهم فروردین‌ماه بازداشت شد. مهرداد در بازجویی‌ها به سرقت باهمدستی سه نفر از دوستانش به نام‌های محمود.س (۲۵ ساله)، سینا.پ (۲۶ ساله) و فرزاد.ح (۳۲ساله) اعتراف کرد. با اطلاعاتی که مهرداد در اختیار پلیس گذاشت سه‌همدست او هم بازداشت شدند. چهار متهم در بازجویی‌ها اعتراف کردند که پول‌های سرقت شده را به چهار قسمت تقسیم کرده‌اند که پول‌ها هم کشف شد. سرهنگ کارآگاه احمد نجفی، معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: پول‌های مسروقه به شاکی بازگردانده شد و تحقیقات بیشتر از متهمان در اداره پنجم پلیس آگاهی در جریان است.

رفتن پای چوبه دار به خاطر اعتماد بی‌جا

اعتماد بی‌جای مرد جوان به یکی از دوستانش برای خرید یک قطعه زمین حالا به قیمت جان خودش تمام شده است. متهم که حسین نام دارد و از دو سال قبل به اتهام قتل دوستش اسماعیل در بازداشت به سر می‌برد با تأیید حکم قصاص در دیوان عالی کشور در یک قدمی طناب دار قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار ما، انتقام‌گیری‌های شخصی برای حل مشکلات، یکی از دلایلی است که منجر به درگیری و گاهی شکل‌گیری پرونده‌های جنایی می‌شود. هر چند یکی از دلایل توسل این دسته از افراد به خشونت را هم می‌توان در فرسوده بودن ساختارهای قانونی جست‌وجو کرد با این حال باید آگاه بود که برای احقاق حق راهی جز توسل به قانون وجود ندارد. در پرونده‌ای که در بهمن‌سال ۹۶ تشکیل شد، مأموران پلیس پایتخت از مرگ مشکوک صاحب یک دفترخانه اسناد رسمی در محل کارش باخبر و راهی محل شدند. مأموران در بررسی از محل حادثه با جسد خونین اسماعیل ۶۵ساله روبه‌رو شدند که نشان می‌داد وی بعد از زخمی شدن با چاقو از پله‌ها به پایین سقوط کرده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این زمینه آغاز شد و کارآگاهان دریافتند روز حادثه اسماعیل با مرد جوانی به نام حسین قرار ملاقات داشته است. به این ترتیب حسین که دارای مدرک دکترای علوم انسانی بود، بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او به مأموران گفت: «دو سال قبل زمینی خریده بودم و قرار بود روز حادثه اسماعیل سند زمین را به نامم بزند، اما وقتی وارد دفترش شدم، دیدم او از پله‌ها به پایین افتاده است و نفس نمی‌کشد.» درحالیکه مرد جوان سعی داشت با اظهارات ضدونقیض خود پلیس را گمراه کند اما با رصد دوربین‌های مداربسته بالاخره لب به اعتراف گشود و گفت: «با اسماعیل درگیر شدم اما قتل او یک اتفاق بود و در قتل نقشی نداشتم.» متهم در شرح ماجرا گفت: «دوسال قبل تصمیم گرفتم با مبلغی که پس‌انداز کرده بودم سرمایه‌گذاری کنم. از آنجائیکه اسماعیل را می‌شناختم پولم را به او دادم و خواستم برایم زمین بخرد. او قبول کرد و برایم یک زمین ۲۵۰ متری معامله کرد اما دو سال از آن گذشت و هنوز سند زمین به نامم نخورده بود. سر این موضوع با هم درگیر شدیم تا اینکه قرار شد روز حادثه به دفترش بروم و سند قطعی زمین را به نامم بزند.» متهم در ادامه گفت: «آن روز وقتی در راه پله‌های دفتر با هم روبه‌رو شدیم او برخورد بدی کرد. به همین خاطر عصبانی شدم و با هم درگیر شدیم. در آن درگیری او به من حمله کرد و من برای دفاع از خودم با چاقو یک ضربه به گردنش زدم که تعادلش به هم خورد و از پله‌ها به پایین افتاد.» متهم بعد از اقرار به جرمش و بازسازی صحنه جرم روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در اولین جلسه رسیدگی به پرونده با درخواست قصاص از سوی اولیای دم از خودش دفاع کرد و گفت در قتل نقشی نداشته است. سپس وکیل متهم نیز در دفاع از موکلش گفت: «۸۰ درصد علت فوت به خاطر شکستگی جمجمه بوده است و موکلم فقط ۲۰درصد در مرگ پیرمرد دخالت داشته است به همین خاطر برای موکلم درخواست تبرئه دارم.» با طرح این ادعا پرونده بار دیگر به پزشکی قانونی فرستاده شد تا اینکه هیئت قضایی بنا به نظریه پزشکی قانونی که اعلام کرده بود ضربه چاقو علت فوت مقتول بوده است، متهم را به قصاص محکوم کرد. این رأی به دیوان عالی کشور فرستاده شد و از سوی قضات یکی از شعبات آن تأیید شد. به این ترتیب در صورتیکه متهم نتواند رضایت اولیای دم را جلب کند در آستانه مرگ قرار خواهد گرفت.

کاهش کلاهبرداری با مسدود کردن ۳هزار سیم کارت بی‌نام و نشان

رئیس پلیس آگاهی ناجا از مسدود کردن بیش از ۳هزار خط تلفن همراه و به دنبال آن کاهش ۴۰درصدی کلاهبرداری به شیوه کارت به کارت خبر داد.

سردار محسن حسن‌خانی توضیح داد: در راستای جلوگیری از کلاهبرداری کارت به کارت جلساتی را با دادستانی کل کشور، معاونان پیشگیری و مسئولان قضایی، وزارت ارتباطات و سایر دستگاه‌ها تشکیل دادیم که به دنبال آن در مرحله اول بیش از ۳هزار خط تلفن همراه از اپراتورهای مختلف را مسدود کرده‌ایم که این انسداد باعث شد که در حوزه کلاهبرداری کارت به کارت حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش وقوع کلاهبرداری را شاهد باشیم. سردار حسن‌خانی گفت: تلاش برای مسدود کردن ۱۲هزار خط دیگر در جریان است. این مقام ارشد انتظامی با توصیه به شهروندان عنوان کرد: چنانچه فردی با شما تحت عنوان برنده شدن در قرعه‌کشی تماس گرفت و قصد هدایت به دستگاه خودپرداز به بهانه دریافت جایزه نقدی را کرد قطعاً فرد تماس گیرنده کلاهبردار است و هرگز به درخواست‌های او اعتماد نکنید.

الاغ جان ۴ سرنشین خودرو را گرفت

تصادف خودروی سواری با یک رأس الاغ در شهرستان نیشابور جان چهار سرنشین خودرو را گرفت.

این حادثه روز گذشته در محدوده بخش قدمگاه شهرستان نیشابور اتفاق افتاد که در جریان آن خودروی سواری پژو۴۰۵ با یک رأس الاغ تصادف کرد. سرهنگ حسین دهقان‌پور، فرمانده انتظامی شهرستان نیشابور گفت: وقتی مأموران پلیس در محل حاضر و متوجه شدند که راننده و سه سرنشین خودرو به علت شدت جراحت جانشان را از دست داده‌اند.

مرگ غم‌انگیز دختربچه در رودخانه لوارک

بی‌توجهی خانواده دختربچه به توصیه‌های ایمنی سبب غرق شدن طفل پنج‌ساله در رودخانه لوارک تهران شد.

به گزارش خبرنگار ما، این حادثه دو روز قبل اتفاق افتاد که در جریان آن اعضای خانواده‌ای برای تفریح به محدوده پشت سد لتیان رفته بودند. براساس این گزارش دختربچه پنج‌ساله خانواده مشغول بازی در حاشیه رودخانه لوارک در محدوده پشت سد بود که به رودخانه سقوط کرد و با حضور امدادگران جسد طفل در منطقه نیکنامده کشف و مرگ وی تأیید شد. در روزهای گذشته هشدارهایی مبنی بر عدم توقف و تردد در حاشیه رودخانه‌ها اعلام شده بود که برخی با بی‌توجهی به این هشدارها دچار خسارت شدند.

۳ کشته در سلفی با سیل

تلاش سه مرد جوان برای سلفی گرفتن با سیلاب در یکی از روستاهای چهارمحال و بختیاری به قیمت جانشان تمام شد.

این حادثه روز گذشته در روستای کره‌بس چهارمحال و بختیاری اتفاق افتاد. کاووس محمدی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی چهارمحال و بختیاری توضیح داد: وقتی مأموران پلیس با تماس مردمی خود را به حاشیه رودخانه کره‌بس در روستای کره‌بس رساندند، متوجه شدند سه‌مرد جوان که برای تفریح به این محل آمده بودند هنگام گرفتن عکس سلفی به رودخانه سقوط کرده و به علت عدم آشنایی با فن شنا غرق شده‌اند.

تصادف خونین تیبا با وانت نیسان

تصادف دو خودروی تیبا و نیسان وانت در فیروزآباد استان فارس سه کشته برجای گذاشت.

به گزارش خبرنگار ما، این حادثه روز گذشته در محور فیروزآباد استان فارس اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که راننده و سرنشین تیبا و راننده نیسان به علت شدت جراحت جانشان را از دست داده‌اند سرهنگ عبدالهاشم دهقانی – رئیس پلیس راه شمالی استان فارس – علت این حادثه را انحراف به چپ خودروی تیبا اعلام کرد.

آگهی مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت پالس تیپ DTS180I به رنگ قرمز مدل ۱۳۸۷ به شماره شهربانی ۳۲۱ و شماره موتور 96559 و شماره شاسی 180A8610637*** NE0 به نام حسین کنعانی فرزند فرهاد به شماره ملی ۵۲۴۹۴۵۳۰۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری تیپ 131EX به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۲ به شماره شهربانی ایران ۶۸- ۹۹۴ ج ۷۷ و شماره موتور 4904262 و شماره شاسی /2247 NAS411100D12 به نام اعظم علیزاده معز فرزند حسین به کدملی ۰۳۸۶۷۲۹۹۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی مدارک خودرو

برگ سبز، کارت شناسایی، بیمه نامه و بنچاق خودرو سواری سمند تیپ ایکس ۷ به رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۸۷ به شماره شهربانی ایران ۳۸- ۸۱۹ م ۶۶ و شماره موتور 12486233261و شماره شاسی 70715448به نام مصطفی صفری نوحدانی فرزند اسمعیل به کدملی ۰۴۹۲۱۴۳۸۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.